

- سه‌شنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۴۰۰**
- سال دوازدهم - شماره ۲۲۵۷**

سیهرغرب، گروه اجتماعی – عباس سربیشی؛ جوامع بشری متشکل از انسان‌هایی هستند که به تعداد هر نفر از آن‌ها خصایص، اخلاق و رفتارهای گوناگون وجود دارد گرچه در کالبد و ظاهر همه به هم شبیه‌اند اما نکته این است که به‌مانند اثر انگشت نیز هیچ‌گاه دو نفر به لحاظ خلق‌وخو یکی نمی‌شوند. انسان‌های خندان و بشاش، اخمو، عصبانی و تندمزاج، بی‌تفاوت و خونسرد آدم‌های تودار آدم‌های جنت‌جو و...

موضوع این است که امروزه به‌واسطه لزوم ارتباط اجتماعی، با انواع و اقسام انسان‌های متفاوت‌الاخلاق می‌طلبید تا ما نیز با هرکس به زبان خودش صحبت کنیم و یا حداقل در مورد خود با رفتاری ثابت و قابل پیش‌بینی برای طرف مقابل برخورد و مراوده نموده تا در این فرایند ضمن ایجاد و حفظ ارتباط اجتماعی پایدار به‌نوعی به خواسته‌ها، حقوق و نیازهای خویش رسید و یا نیازهای طرف مقابل را به‌صورت معقول و مطلوب تأمین کنیم.

و البته این نیز در حالی است که متأسفانه شرایط و مشکلات زندگی امروز در حوزه‌های مختلف به‌خصوص اقتصادی با وجود خلقیات و مزاج‌های متفاوت ملو از لحظاتی است که می‌تواند خواسته یا ناخواسته بستر مناسبی را برای بروز تنش، برخورد، تعارض و... محیا نماید گو آنکه برخی از این گونه اصطکاکات نیز می‌توان موجب بروز برخی مخاطرات و پیامدهای سوء جدی جانی، مالی و قانونی نیز گردد.

اینکه ممکن است بسیاری از ما گاهی و در موقعیت‌های مختلف با انسان‌هایی مواجه شویم که خارج از همه قواعد، ارزش‌ها، هنجارها و مقبولات و شاکله جوامع انسانی متمدن تنها به دلیل زیاده‌خواهی، بی‌فرهنگی و به‌صورت خاص نفع شخصی تمامی این ساختارها را به‌هم‌ریخته و زیاده‌خواهی نه‌تنها به حریم و حقوق دیگران تجاوز می‌کنند بلکه ساختار عقلانی و اخلاقی یک جامعه را به چالش می‌کشند از راننده تاکسی که بی‌تفاوت به همه مقررات هرجا دوست دارد توقف یا پارک می‌کند.

موتوسرواری که در پیاده‌راه با سرعت می‌رود لایمی می‌کشد و در صورت اعتراض و یا تذکر با کمال وقامت و گستاخی و حتی و تهدید با ملت گلاویز می‌شود.

آدم‌هایی که در مجتمع‌ها و محلات بی‌توجه

به‌اندازه حریم قانونی خویش خواب، زندگی و آسایش یک محله را فدای زیاده‌خواهی، گردن‌کشی و بزنبهادی خود می‌کنند در حالی که گوش و عقلشان هم اساساً بدهکار هیچ قانون و منطقی نیست.

کارمندان و رؤسای اداراتی که در ادارات، ارگان‌ها و... به‌مانند طبل توخالی فقط غوغای همه‌کاره بودن را دارند و با ایجاد جوسازی و تشنج دیگران را منع کرده و به قولی ادعای آقایی و سروری بر همگان دارند.

کسبه‌هایی که به بهانه کسب و کار مسیر ملت را می‌بندند، برای خود قانون وضع کرده و بی‌توجه به حقوق شهروندان از در توهین به مشتری و تهدید و ارباب او برمی‌آیند یا افراد بیماری که اساساً یقه‌گیری، شرخری و یا عریده‌کشی جزئی از خون و گوشتشان شده است.

و مواردی ازاین‌دست که متأسفانه گاهی از سر بدیاری به تورشان می‌خوریم. جماعتی که به نظر روان‌شناسان، گذشته از تأثیرات مخرب عقده‌های دوران کودکی، عمدتاً در محیط‌هایی بزرگ شده و تربیت یافته‌اند که شاکله شخصیتی‌شان را ناخواسته بدین‌گونه طراحی نموده است.

هرچند به‌زعم برخی، عمده این افراد در طبقه و قشر متوسط و رو به پایین جامعه جای گرفته که متأثر از شرایط اقتصادی، فرهنگی و روحی آمادگی بیشتری برای خشونت و پرخاشگری دارند (که شاید تا حدودی درست باشد) اما نباید غافل بود که در این میان استثناهایی نیز وجود دارد که شامل افراد توانمند متمول جامعه می‌گردد.

این بدان معناست که در این گروه داشتن حس قدرت و حمایت و جایگاه مالی و اقتصادی این اجازه را به برخی می‌دهد تا مرتکب این هتاک‌ی‌ها و گستاخی‌ها شوند اما عمده افراد ضعیف با بار عقده‌های محرومیت و محدودیت هستند که این خصیصه‌ها را در خود به نمایش می‌گذارند. چهارچوب شخصیتی که با چند قاعده محدود مانند تهدید، توهین، تحقیر، تمسخر و تهمت نظم یافته‌اند.

انسان‌هایی که در هر دو قشر علی‌الدوام از خلقی به خلق دیگر در حال استعاله‌اند و ثباتی در شخصیت آن‌ها دیده نمی‌شود، تابع هیچ قانون و دلیلی نبوده و حتی برای حرف خود نیز نیازی به دلیل و استدلال ندارند. تنها دارایی خلقی آن‌ها روحیه جنگ‌طلبی و پرخاشگری و بزنبهادی بوده و احتمالاً حقانیت خود را در تأیید فرد و یا افرادی



یکی از مهم‌ترین تکالیف متولیان قضائی و مسئولان انتظامی در جامعه و شهر ما این است که با برخورد‌های متناسب و بدون غرض و مرض و صرفاً با اصل ایمن‌سازی جامعه از هم‌اکتون ریشه هنجارشکنان، پرخاشگران و عریده‌کشان را بخشانند.

می‌بیند که با آن‌ها هم‌مسلك و مشترک‌اند؛ که البته این روابط به‌اصطلاح لوطی‌وار نیز دارای دوام چندانی نیست و همواره دستخوش همان قانون تغییر و بی‌ثباتی است.

حالا اما جدا از بحث شخصیتی این افراد سؤال اصلی این است که شما در صورت مواجهه و برخورد با این افراد چه خواهید کرد؟ آیا بی‌خیال شده و به هر قیمت به راه خود ادامه می‌دهید؟ آیا برای جنگ با این‌گونه افراد پیه همه‌چیز را به تن خود می‌مالید یا!...

متأسفانه در بسیاری از موارد مشاهده

اجتماعی

جامعه را برای پرخاشگران وقانون‌ستیزان ناامن کنید

متهاجم از کرده خود نادم و پشیمان.

به‌هرحال پاسخ هرچه که باشد یقیناً نه می‌توان و نه باید که به این سادگی از کنار این افراد رد شده و به بهانه حفظ شخصیت و سلامت روح و جسم خود اجازه دهید هرگونه که می‌خواهند با شما رفتار و با صحبت کنند فراموش نکنیم عزت‌نفس، غرور و حقوق فردی و اجتماعی فقط مخصوص انسان‌ها نیست حتی حیوانات هم دارای احساس‌های ازاین‌دست هستند؛ بنابراین اگر همین ستون‌های اخلاقی نیز تهدید و یا متزلزل گردد دیگر نمی‌توان پیش‌بینی کرد چه عاقبتی در انتظار نوع ما و در کل جوامع انسانی است.

متأسفانه امروزه متأثر از فشارهای اقتصادی، ضعف‌های فرهنگی و به‌موارات آن نواقص موجود در قانون و قضا با افزایش تعداد موارد خشونت و پرخاشگری رفته‌رفته در حال نزدیک شدن به مرحله ناخوشایندی از زندگی شهری هستیم و بدتر از همه اینکه تکلیف بسیاری از مردم نیز در این حوزه با خودشان روشن نیست زیرا نه می‌توانند با عالم و آدم درگیر شد و یقه همه را بگیرند و نه می‌توانند در برابر ظلم، تعددی و جسارتی که به آن‌ها شده سکوت کنند.

گو آنکه به امید برخورد بازدارنده آتی و در لحظه عوامل انتظامی نیز نمی‌توانند بنشینند چراکه پلیس هم در گیر و بند و محدودیت‌های عجیب‌وغریب، قوانین و مقررات قرار داشته و درعین حال سیستم قضائی ما نیز صرفاً با مدرک و دلیل تصمیم می‌گیرند که در هیچ‌کدام از این موارد هم شاهد و مدرک محکمه‌پسندی در دست فرد مورد ظلم واقع‌شده وجود ندارد و یا اگر هم شاهی‌هست عموماً از سر ترس و عاقبت‌اندیشی و یا تهدید جانی و مالی شجاعت شهادت در محضر دادگاه و قاضی را ندارند که متأسفانه همین خلأ موجود باعث شده تا به‌زعم برخی جامعه ما بعضاً به بهشت متجاوزان به حقوق جامعه و متخلفان از مقررات و هنجارها تعبیر و تشبیه گردد.

البته نباید از گفته‌های فوق این‌گونه استنباط کرد که شهر و جامعه ما به حال خود رها شده و نه پلیس و نه سیستم قضائی در آن فعالیتی ندارند بلکه فهوای کلام اینجاست که به دلایل متعدد، بسیاری از افراد که مورد تعرض، جسارت و یا گستاخی جماعتی ناهنجار و پرخاشگر



قرار می‌گیرند به دلیل آنکه نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند که روزها و هفته‌ها و حتی ماه‌ها وقت خود را برای یک نتیجه نامشخص در مسیر کلانتری و دادگاه تلف کنند از کنار این ناهنجاری‌ها می‌گذرند و یا عموماً با دخالت و مداخله‌گری چند نفر قائله را خاتمه یافته فرض می‌کنند و به‌اصطلاح صورت‌مسئله پاک می‌شود درحالی‌که نه‌فقط جای این زخم‌ها بر روح و جان انسان و جامعه باقی می‌ماند بلکه به‌مرور نیز چرک‌تری و مزمن‌تر هم می‌گردد.

بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران موضوعات حقوقی بر این باورند که این احساس امنیت نسبی و مفروضات متعدد قانونی یکی از عواملی است که باعث شده در سال‌های اخیر شاهد بروز تکانه‌ها و رفتارهای خصمانه‌ای چون یقه‌گیری و نزاع‌های خیابانی در جامعه‌ای باشیم که مرتکبان این اعمال بزرگ‌ترین امتیاز و شانس خود را داشتن امنیت نسبی متأثر از عدم شکایت و پیگیری قضائی مردم می‌دانند.

بر این اساس تصور می‌شود یکی از تکالیف متصدیان و مسئولان انتظامی و قضائی در جامعه و شهر ما این باشد که با برخورد‌های متناسب و بدون غرض و مرض و صرفاً با اصل ایمن‌سازی جامعه از هم‌اکتون ریشه‌های این گیاهان هرزه را بخشانند که لاجرم این امر نیز نیازمند قاطعیت و حمایت دستگاه قضا و متعاقباً تأمین تقویت نیروهای انسانی به خصوص افزایش حس حمایت معنوی و قانونی از امنیت جانی و مالی عاملان و ضابطان انتظامی و نظامی است.

اینکه گاهی فراموش نکنیم سرعت عمل بالای عوامل انتظامی، قاطعیت بدون گذشت دستگاه قضا در برخورد با متجاوزان به حقوق اجتماعی و متخلفان از ارزش‌ها و هنجار تنها ستون‌های امنیت جامعه‌ماست که به آن‌ها امید داریم شاید اگر برخی موارد گوشه و کنار شهر ما در برخی محلات مشخص، شاهد نقره‌داغ شدن این معدود جماعت افسارگسیخته باشند علاوه بر آرامش خاطر برخی داغ‌پیکان و متضرران، چرتکه برخی دیگر را به محاسبه کار و کردارشان وادار خواهد کرد تا از این به بعد بدانند آنان نیز مجبورند چون همگان در برابر قوانین، ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه و هنجارها سر تسلیم فرود آورند و فراموش نکنند اینجا شهر نظم و قانون است نه سر جالیز و عریده‌کشی.

اثرات اجتماعی همزمانی شروع مدرسه و پیدایی کرونا برای کودکان چه بود؟

مدیریت کامل بیماری و پایان همه‌گیری بود. وی ادامه داد: گروه دوم برخلاف گروه نخست، خواستار بازگشایی مدارس به‌ویژه مقاطع ابتدایی و تداوم کلاس‌های حضوری بوده و تجربه حضور در محیط واقعی مدرسه و ارتباط چهره به چهره با معلم را برای دانش‌آموزان ضروری تلقی می‌کردند. این گروه به‌منظور حفظ سلامت دانش‌آموزان اقداماتی چون رعایت پروتکل‌های بهداشتی و تزریق اجباری واکسن کرونا برای کودکان را مطرح می‌کردند.

مجازی و حضوری باشد
تعلیم مدارس باید ترکیبی از آموزش مجازی و حضوری باشد
این کارشناس خاطرنشان کرد: گروه سوم با تکیه بر اعتدال معتقد بود، مدارس مقاطع ابتدایی از آغاز شیوع این بیماری نباید به طور کامل تعطیل می‌شد و دانش‌آموزان با یک برنامه‌ریزی جامع، تقسیم‌بندی به دو تا سه گروه و رعایت فاصله فیزیکی باید در مدارس حضور یافته و محیط واقعی آموزش و ارتباطات اجتماعی فیزیکی را تجربه کنند.

به باور دهدست، مدیریت حضور کودکان و نوجوانان در مدارس نظیر کاهش برگزاری جلسات کلاس به دو روز در هفته و... نیز می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

وی اضافه کرد: بنابراین با برخی از اقدامات پیشگیرانه می‌شد کلاس‌های حضوری را از ابتدا برگزار و مانع از تعطیلی کامل مراکز آموزشی شد، اما بر اساس تصمیم ستاد ملی مقابله با کرونا مدارس تعطیل و مانع از کسب تجربه گذران روز اول مدرسه دانش‌آموزان دوره اول و دوم ابتدایی شد.

وی تأکید کرد: نظریه گروه سوم (ترکیبی از آموزش مجازی و حضوری) در دوران شیوع کرونا می‌تواست بهترین گزینه به‌ویژه برای مقاطع ابتدایی اول و دوم باشد.

ترکیبی از آموزش مجازی و حضوری به باور اغلب صاحب‌نظران این حوزه در ایام شیوع کرونا به‌منظور حفظ سلامت کودکان و نوجوانان و همچنین جلوگیری از افت تحصیلی جامعه هدف، بی‌شک از گزینه‌های مؤثر در این زمینه است. آموزش‌هایی که در برگزاری کلاس‌های مجازی نیز از طریق ویدئو چت و... امکان تعامل با هم‌کلاسی‌ها، دوستان و همسالان را هم زیر نظر معلمان فراهم کرده و مانع از ضعف برقراری ارتباطات اجتماعی شود و با کاهش سطح انتظارات و توقعات از دانش‌آموزان با توجه به تعطیلی مدارس در این دو سال، تکرار برخی و یادآوری مباحث آموزشی گذشته و فراهم کردن یک محیط دوستانه و صمیمی زمان ازدست‌رفته را نیز جبران کنند.



یکی از مهم‌ترین تکالیف متولیان قضائی و مسئولان انتظامی در جامعه و شهر ما این است که با برخورد‌های متناسب و بدون غرض و مرض و صرفاً با اصل ایمن‌سازی جامعه از هم‌اکتون ریشه هنجارشکنان، پرخاشگران و عریده‌کشان را بخشانند.



نظر کارشناسان حوزه آموزش و پرورش دراین باره چیست؟
عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان و کارشناس مسائل آموزش و پرورش در این رابطه اظهار کرد: همه‌گیری کرونا تأثیرات متعددی بر تمامی جنبه‌های زندگی بشر داشته و همه صنوف، نهاده‌ها و سازمان‌ها را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار داده است.
حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدرضا دهدست تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین نهاده‌ها که در دو سال اخیر به‌شدت تحت تأثیر این واقعه قرار گرفت، نهاد آموزش و پرورش بود که نه‌فقط در

سیهرغرب، گروه اجتماعی؛ تعطیلی مدارس و آموزش مجازی به‌دنبال همه‌گیری کرونا با اثرات روانی و اجتماعی متعددی برای کودکان و نوجوانان همراه شده است اما تأثیرات این بحران بین‌المللی برای مقاطع اول و دوم ابتدایی که پذیرش در مدرسه مصادف با پیدایی کرونا بود، چیست؟

آموزش و پرورش کودکان و نوجوان که در سراسر جهان از طریق نهاد آموزشی مدرسه انجام می‌شود یکی از مهم‌ترین ساختارهای اجتماعی در جامعه بشری بود که با پیدایش کرونا از دسامبر ۲۰۱۹ با اختلال مواجه شد.

این نهاد که به باور کارشناسان اجتماعی و روان‌شناختی، علاوه بر تعلیم دروس آموزشی به‌عنوان نخستین محیط اجتماعی پس از خانواده، مهارت‌های ارتباطی، شاخص‌های رشدی و تعامل با محیط پیرامونی را به دانش‌آموزان می‌آموزد، با تکیه بر آموزش مجازی و حذف کلاس‌های حضوری تحت تأثیر قرار گرفته و تضعیف شد.

کاهش در ارتباطات اجتماعی، فراگیری مهارت‌های زندگی، کسب هویت دانش‌آموزی، دستیابی به استقلال، افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری ازجمله آثار و نتایج اجتماعی و روانی حذف آموزش حضوری در مدارس بود که در کنار افت تحصیلی، میزان یادگیری، تضعیف مهارت خواندن و نوشتن، حل مسئله و درک مطلب نیز به‌عنوان شاخص‌های محیط ارتباطی، شاخص‌های رشدی و تعامل با محیط پیرامونی را به دانش‌آموزان می‌آموزد، با تکیه بر آموزش مجازی و حذف کلاس‌های حضوری در مدارس بود که در کنار افت تحصیلی، میزان یادگیری، تضعیف مهارت خواندن و نوشتن، حل مسئله و درک مطلب نیز به‌عنوان تبعات محیط رابطه آموزش اتفاق افتاده است.

کاهش در ارتباطات اجتماعی، فراگیری مهارت‌های زندگی، کسب هویت دانش‌آموزی، دستیابی به استقلال، تعهد و مسئولیت‌پذیری ازجمله آثار و نتایج اجتماعی و روانی حذف آموزش حضوری در مدارس بود که در کنار افت تحصیلی، میزان یادگیری، تضعیف مهارت خواندن و نوشتن، حل مسئله و درک مطلب نیز به‌عنوان تبعات محیط رابطه آموزش اتفاق افتاده است. این تأثیرات برای کودکان مقطع اول و دوم ابتدایی که پذیرش در مدرسه و آغاز دوران تحصیل مصادف با پیدایی کرونا بود، بدون شک بیش از دیگر دانش‌آموزان قابل لمس بود. این گروه محیط واقعی مدرسه و ارتباط چهره با چهره با معلم را تجربه نکرد. از درک احساس شیرین اولین روز مدرسه محروم شده و نتوانست ارتباط فیزیکی با دوستان و همسالان را در محیط واقعی کلاس درس تجربه کند.

روندی که به اعتقاد مشاوران، رشد شناختی، تکاملی، تعاملی، اجتماعی و رشد زبانی- بیانی کودکان و نوجوانان را هم در این مدت تحت تأثیر قرار داده و در برخی تضعیف کرده است.